

پس از مرگ شاه زمان ابدالی (۱۸۰۱م)، در سرآغاز قرن ۱۹ جنگ خانمانسوز داخلی و غارت توده‌های محروم و بی‌دفاع این کشور بیشتر از پیش تشدید گردید. در اواخر آن قرن سرکوب و حتا نابودی کتلی بسیاری از اقوام به پایان رسید، اما غارت به نام مالیات گونه‌گون همچنان ادامه یافته و تشدید گردید. مالیات توسط تحصیل‌داران و حواله‌چیان که فرامین دولتی را در دست داشتند، به زور و جبر نظامی حاصل می‌گردید. مالیات عمدتاً روی اتباع (اعم از مرده و زنده)، اراضی، مراتع، احشام و مواشی، کار و حرفه، تجارت و... وضع می‌گردید. اخذ مالیات از کدام مقرر و لوابیح خاص پیروی نمی‌کرد. در جریان یک سال ممکن بود، تحصیل‌داران، چندین بار از مردم بنام مالیه اخاذی نمایند. جلال‌الدین صدیقی و قربان نظربایف در دایرةالمعارف تاجیک، منتشره سال ۱۳۶۱ ه.ش در شهر کابل می‌نویسند: "مردم در فقر شدید به سر می‌برد. با آن هم مجبور به تأدیة مالیات به دفعات (چندبار) در سال بود. تاجیکان، هزاره‌ها و ایماق‌ها به عنوان ملیت‌های غیرقبیله، خوشحالی می‌کردند، اگر تحصیل‌دار مالیه، فقط دو بار در سال از ایشان مالیه جمع‌آوری می‌کرد." (۱)

بنابه گفته‌ی داکتر اکرم عثمان، مردم اداره‌ی اخذ مالیه را اداره‌ی غارت و چپاول نامگذاری کرده بودند. ...

صفحه ۲

سال دوم، یکشنبه، ۳ جوزای ۱۳۹۴ هجری خورشیدی، ۲۴ می ۲۰۱۵ میلادی

شماره ۳۶

مهم هفته

مشاور نخست وزیر هند:

نگران امنیت افغانستان هستیم

آجیت دووال، مشاور نخست وزیر هند در یک نشست امنیتی در دهلی جدید گفته است که کشورش به شدت نگران بدترشدن امنیت در افغانستان است. او گفته است که هند باید همکاری‌های خود را با افغانستان پس از خروج نیروهای خارجی از این کشور افزایش دهد. آقای دووال تأکید کرده است که هند اجازه نخواهد داد تا هراس افگنان در افغانستان لانه‌های امن ایجاد کنند. دووال هشدار داده است که تحولات امنیتی در افغانستان تأثیر مستقیم به امنیت داخلی هند دارد. به گفته‌ی این مقام ارشد هندی، کشورش باید مطمئن شود که صلح و ثبات دائمی در افغانستان تأمین شده و این کشور بار دیگر به پناهگاه هراس افگنان مبدل نمی‌شود. هند در جریان چند سال گذشته از متحدان اصلی کمک‌کننده در بخش اقتصادی و فرهنگی در افغانستان بوده و دهلی جدید پیوسته نگرانی خود را از بدترشدن اوضاع امنیتی افغانستان مطرح کرده است. با نزدیک شدن دولت افغانستان با اسلام‌آباد، رقیب دیرینه‌ی پاکستان (هند) نگران روابط خود با افغانستان است و تلاش دارد تا با گسترش همکاری‌های خود، همچنان تأثیرگذاری خود را حفظ کند.

مهم هفته

داعش دختر ۲۰ ساله را به دلیل تن ندادن به رابطه‌ی جنسی زنده آتش زد

نماینده‌ی ویژه سازمان ملل در امور خشونت جنسی گفت، داعش یک دختر ۲۰ ساله را زنده زنده سوزاند، چرا که او از پذیرش خواسته شیطان‌ی و غیرانسانی تروریست‌ها امتناع کرده بود. زینب بنگورا، نماینده ویژه سازمان ملل در امور خشونت جنسی در منازعات و درگیری‌ها پس از دیدار با آوارگان ناشی از حملات تروریست‌ها در سوریه و عراق اخبار تکان‌دهنده‌ی از اوج وحشیگری داعش منتشر کرد. به نوشته‌ی روزنامه واشنگتن پست، این مقام و گزارشگر ویژه سازمان ملل گفت: "خشونت جنسی استراتژی نهادینه شده داعش و همچنین وحشیگری ضد زنان و دختران بخش محوری در ایدئولوژی آنها است." در یکی از گزارش‌های منتشر شده او آمده است: "داعش پس از حمله به یکی از روستاها، زنان را از مردان و پسران تفکیک کرد و پسران و مردان ۱۴ سال و بالاتر را اعدام کرد. آن‌ها زنان و مادران را هم جدا و همچنین دختران باکره را از دیگران جدا کردند." او تأکید کرد که در بین تروریست‌های داعش سلسله مراتبی برای انتخاب از میان زنان و دختران اسیر وجود دارد. هر یک از تروریست‌ها حداقل سه تا ۴ دختر و زن را به اسارت گرفته و پس از ۱ ماه بهره‌کشی جنسی آن‌ها را به بازار بردگان جنسی می‌فروشد. برخی گزارش‌ها حاکی است که در یکی از موارد، دختری ۲۲ بار به عنوان برده جنسی مورد فروش قرار گرفت و در موردی دیگر یکی از شیوخ داعش نام خود را روی دستان دختری حکاکی کرد تا به دیگران بگوید او "دارایی" اش بوده است.

شمال و شمال‌شرق، قربانی "جنگ انتقالی"



مالیات تور کرمی (خن و دفن)

۵

۶

۷

بهرام

جنگ کنونی با ماهیت جهانی و منطقه‌ی‌اش، جنگی نیست که افغانستان توان مدیریت آن را داشته باشد. به عنوان شریک استراتژیک در کنار بازیگران قدرتمند جهانی حضور پیدا کند. افغانستان بر مبنای هندو میثاق‌شسته برای دیگران خواهد جنگید و در نهایت تمام هست و نیست باقیمانده‌اش را از دست خواهد داد. نظر دادن از برج عاج ساده است، اما عملی کردن دیدگاه‌های روشنفکرانه در کشوری مثل افغانستان که با توریستی (های) نگارنگ و موزاییکی‌اش روایت‌های کلان را به چالش کشیده و به خاک سیاه نشانده، دشوار است.

رییس جمهور غنی فیصله کرده تا روی متن تفاهمنامه با آی. اس. آی تجدید نظر شود

این نشست روی حذف ماده‌ی مبارزه مشترک با جدایی طلبان تأکید ورزیدند، زیرا در افغانستان اصطلاح جدایی طلب وجود ندارد. بر اساس گزارشها، تفاهمنامه‌ی تبادل معلومات با آی اس آی پاکستان هفته گذشته به تعقیب سفر نخست وزیر و رییس شبکه-ی استخباراتی پاکستان به کابل، امضا شده است. با آنکه پس از افشاشدن امضای این تفاهمنامه در رسانه‌ها، رهبران جهادی، شورای ملی و جامعه‌ی مدنی مخالفت شدیدشان را با این فیصله‌ی حکومت افغانستان نشان دادند و آنرا مغایر منافع ملی کشور خواندند، اما در اوایل هفته‌ی جاری، سخنگوی اردوی پاکستان از آن استقبال کرد. جاوید کوهستانی تحلیلگر مسایل سیاسی افغانستان می‌گوید، مخالفت‌های شدید با این تفاهمنامه باعث شد تا رییس جمهور افغانستان روی متن این تفاهمنامه تجدید نظر کند: "اگر هدف پاکستان از امضای این تفاهمنامه، مبارزه با تروریسم و شبکه‌های بنیادگرا و افراطی که در دو سوی خط دیورند اند و بیشتر در خاک پاکستان مستقر اند، می‌بود، امضای این تفاهمنامه کاری بد نیست، اما در این تفاهمنامه مسایل فراتر از مبارزه با تروریسم جا داده شده که با فشار و افکار عمومی حکومت افغانستان را مجبور به تغییر آن کرده است." پیش از این ریاست جمهوری افغانستان در واکنش به مخالفت‌ها در مورد این تفاهمنامه گفته بود که افغانستان در سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ میلادی نیز چنین تفاهمنامه‌هایی با پاکستان داشته است. تا حال متن تفاهمنامه میان ریاست امنیت ملی افغانستان و اداره استخبارات پاکستان به نشر نرسیده است. منبع: رادیو آزادی

رییس جمهور غنی می‌گوید: رییس جمهور افغانستان فیصله نموده تا روی متن تفاهمنامه تبادل معلومات استخباراتی با آی اس آی تجدید نظر شود. این منبع که نتوانست نامی از وی گرفته شود به رادیو آزادی گفت: در نشست که روز پنجشنبه میان رییس جمهور اشرف غنی و شخصیت‌های سیاسی و جهادی در ارگ صورت گرفت، برخی از مواد جا داده شده در این تفاهمنامه، مورد بحث قرار گرفته، کوه در نتیجه رییس جمهور کار حیوان هم مایه‌ی مذاکره بود. اختلاف از این تفاهمنامه حذف شود. ذکاء مال = یک مهم گفته‌ی منبع، آموزش کارمندان امنیت ملی افغانستان از سوی آی اس آی پاکستان، مبارزه مشترک با جدایی طلبان و بازشدن مالیات تبع شاه‌ی = خرج دست‌خوان شاه و سلطان دفاتر ادارات استخباراتی پاکستان در افغانستان و به همین گونه مالیات سر رهمه از افغانستان در پاکستان از جمله‌ی مواد این تفاهمنامه اند که حذف خواهند شد. از سوی دیگر قاضی محمد امین وقاد، یکتا مالیات روغن مالیات سرانه (فی نفر) از اعضای شورای عالی صلح افغانستان و اشتراک کننده‌ی نشست مشورتی ارگ در صحبت با رادیو آزادی گفت: رییس جمهور غنی پیشنهادات اشتراک کنندگان را در مورد تغییر در متن تفاهمنامه با آی اس آی پاکستان شنیده و گفت که مسوولان این تفاهمنامه نهایی نبوده و اصلاحات در متن آن آمده می‌تواند. به گفته‌ی قاضی امین وقاد، بیشتر اشتراک کنندگان نشست مشورتی روی استفاده از اصطلاح جدایی طلبان در این تفاهمنامه مخالفت نشان دادند، زیرا افغانستان جدایی طلب ندارد: "فی" (رییس جمهور افغانستان در این نشست گفت که این تفاهمنامه نهایی و یا تعهد نیست بلکه یک مسوده ابتدایی است که تغییرات و اصلاحات در آن آمده می‌تواند. بیشتر اشتراک کنندگان مالیات روی قیمت

نگرش کوتاه بر جایگاه اجتماعی اخلاقیات



بخش ۵

۶

۷

توغ

موجود نیست، ولی خصلت بافت های اجتماعی حاکم در کل از آن نوع راهکار حمایت می نماید. ساکنان این جغرافیا آن چنان که از لحاظ اشتغال و چگونگی قوت تأمین معیشت با هم مشابهت زیاد دارند، قریباً نزدیک درمیان از پشم و اندیشه های محافظه کارانه هم از ویژه گی های بارز آن است. بدتر از همه تعالی روح و روان انسانی و اخلاقیات که اساسن و باید مسیر منطقی و طبیعی‌اش را در جهت تحول و عقلاهی تعالی سازگار ساخته و آینده ی بهتری را در دورنما داشته باشی. این کشور به ویژه در جریان چند دهه اخیر با یک نوع انحطاط و سقوط غیر قابل باور مواجه گردیده، ... صفحه ۳ مالیات روی قیمت

افغانستان کانون زندگی اجتماعات محافظه کار، عرفی و سنتی است. باورمندی به سنن و فرهنگ غیرمکتوب در این کشور بیشتر از اعتقاد به قانون و الزامات زندگی معاصر اعتبار داشته و حتا مقاومت در مقابل تحولات مورد نیاز زمان از ویژه گی های بارز آن به شمار می رود. تحولات سیاسی و اقتصادی در جهان متمدن، اگر چند درین جغرافیای بشری تأثیرات لازم از خود به جا گذاشته، اما آن ماموریت بنیادینی ایجاد تغییر را که در کشورها و ملل دیگر داشته درینجا کمتر در رسیدن به آن موفق بوده است. مقاومت خوی و عادات عرفی و اخلاقیات سنتی در مقابل تحولات تاریخی، با وجود آنکه به عنوان یک روند مشابه درون تمام ملیت ها و اقوام کشور به گونه‌ی هماهنگ و برابر

گپ مردم



تفاهمنامه با آی. اس. آی

چه سودی، چه زیانی؟

ب. آذری

امضای تفاهمنامه‌ی همکاری‌های اطلاعاتی با سازمان جاسوسی پاکستان، واکنش‌های تندی را در افغانستان به دنبال داشته است. از مردم عادی گرفته تا مقام‌های پیشین و برحال دولت، همه یکصدا علیه این اقدام موضع‌گیری کرده‌اند. حامد کرزی، رئیس‌جمهور پیشین، امضای تفاهمنامه‌ی امنیتی میان اداره‌ی امنیت ملی افغانستان و آی. اس. آی را خلاف منافع ملی کشور خوانده و خواستار لغو آن شده است. امرالله صالح و اسدالله خالد، رئیس‌ان پیشین امنیت ملی هم این کار را خیانت ملی خوانده‌اند.

موج گسترده‌ی واکنش‌های تند علیه امضای تفاهمنامه‌ی همکاری‌های امنیتی با آی. اس. آی سرانجام سبب شد تا شورای امنیت خبر امضای این تفاهمنامه را نادرست خوانده و صرف از امضای پیش‌نویس آن سخن بزند که از سوی برخی از ناظران و تحلیلگران، "عقب‌نشینی هوشمندانه" نام گرفته است.

انتقادهای از امضای این تفاهمنامه به حدی شدت یافته که حالا عبدالله عبدالله، رئیس‌اجرایه هم که پیش از این گفته می‌شد، موافق امضای تفاهمنامه‌ی همکاری‌های امنیتی با سازمان جاسوسی پاکستان است، خواستار بازنگری در این تفاهمنامه شده است. به باور او، متن تفاهمنامه‌ی امنیتی با پیش‌نویس این سند تفاوت دارد و در متن امضاشده مواردی است که در پیش‌نویس آن نبود.

به باور منابع معتبری که متن تفاهمنامه را خوانده‌اند، این سند شامل مواردی است که منافع پاکستان را بیشتر از افغانستان تامین می‌کند؛ از جمله، ماده‌ی که در مورد مبارزه‌ی مشترک با هرگونه جدایی‌طلبی در دو کشور است، افغانستان هیچگونه جنبش جدایی‌طلب ندارد و این پاکستانی‌ها هستند که با جدایی‌طلبان بلوچ در ایالت بلوچستان مبارزه می‌کنند؛ شورش‌هایی که از سوی نظامیان پاکستانی متهم به کمک‌گیری از استخبارات هند هستند. پاکستانی‌ها به زعم خودشان با امضای تفاهمنامه‌ی اطلاعاتی با امنیت ملی افغانستان می‌خواهند دست سازمان جاسوسی هند را از پشت ببندند.

در مورد‌های دیگر هم، امتیاز پاکستان بیشتر از افغانستان است؛ از جمله موردی که به سازمان استخبارات پاکستان اجازه می‌دهد تا در بازجویی‌ها از شهروندان پاکستانی زندانی در افغانستان شرکت کند.

امضای تفاهمنامه‌ی همکاری‌های اطلاعاتی میان سازمان‌های استخباراتی افغانستان و پاکستان در صورتی می‌تواند به سود دولت کابل باشد که میزان امکان بهره‌برداری افغانستان در مقایسه با منفعتی که اسلام‌آباد از این تفاهمنامه می‌برد، بیشتر یا دست‌کم برابر باشد. دولت کابل از هر نظر، این توان و ظرفیت را ندارد که بتواند از امکانات فراهم‌شده به نفع افغانستان استفاده کند. از سوی دیگر، چون صداقت نظامیان پاکستان در پیوند به قضیه‌ی ثبات‌سازی در افغانستان هنوز ثابت نشده و هیچ نشان قوی و امیدوارکننده‌ی هم در این زمینه دیده نشده است، به دشواری می‌توان مدعی شد که امضای تفاهمنامه‌ی امنیتی با پاکستان می‌تواند صلح را در کشور تامین کند.

"حکومت وحدت ملی" در چند مورد عملن صداقت‌اش را به نظامیان پاکستانی نشان داده است، اما برعکس از جانب پاکستانی‌ها نشانه‌ی که بتوان با تکیه بر آن از تغییر استراتژیک در سیاست اصلی نظامیان پاکستان سخن زد، دیده نمی‌شود؛ برعکس تمام پیش‌بینی‌ها، جنگ در افغانستان با آغاز سال جدید خورشیدی بیشتر دامن پهن کرده و به مناطقی گسترش یافته است که در سیزده سال گذشته مناطق امن نام گرفته بود؛ در شهرهای بزرگ نیز، حمله‌های انتحاری طالبان آرامش مردم را گرفته و ترس و وحشت می‌آفریند؛ در کنار طالبان، داعش نیز به معمای بحران افغانستان افزوده شده و جنگ شکل پیچیده‌تر گرفته است.

حکومت کابل به رهبری اشرف غنی و عبدالله سعی دارد با رویکرد پاکستان محور به بحران افغانستان نقطه‌ی پایان بگذارد؛ اقدامی که از سوی مردم استقبال می‌شود، اما این کار باید با هوشیاری تمام انجام شود و حسن‌نیت به اسلام‌آباد به گونه‌ی نباشد که کابل در نهایت چیز درست حسابی نصیب‌اش نشود.

در هر معامله‌ی بده و بستان است، ولی امتیازدادن‌های یکطرفه به نظامیان پاکستانی، افغانستان را همچنان در دام دسیسه‌های ازپیش‌تهیه‌شده‌ی پاکستان نگه می‌دارد؛ چالشی که اشرف غنی می‌خواهد به زعم خودش با آن مبارزه کند.

شمال و شمالشرق، قربانی "جنگ انتقالی"

باشد، یا به عنوان شریک استراتژیک در کنار بازیگران قدرتمند جهانی حضور پیدا کند. افغانستان در این جنگ مثل گذشته برای دیگران خواهد جنگید و در نهایت تمام هست و نیست باقیمانده‌اش را از دست خواهد داد.

نظردادن از برج عاج ساده است، اما عملی کردن دیدگاه‌های روشنفکرانه در کشوری مثل افغانستان که با ویژگی‌های رنگارنگ و موزاییکی‌اش روایت‌های کلان را به چالش کشیده و به خاک سپاه نشانده، دشوار است.

شما وقتی جای تان در کشورهای باثبات و دموکراتیک گرم باشد و نگرانی‌ی از بابت نظریه‌ی نداشتن داشته باشید، هرچه در ذهن تان آمد را می‌نویسید و در وبلاگ و سایت و فیسبوک‌تان می‌گذارید؛ در حالیکه وضعیت مورد بحث شما واقعیت عینی‌ی نیست که ژرف و عمیق به آن دیده باشید.

درست است که پاکستان با راه‌اندازی بازی پیچیده‌ی رشد و تجهیز تروریسم به امکانات و توانایی‌هایی رسیده، اما موجودی که نظامیان پاکستانی در پیدایش و پرورش آن نقش کلیدی داشته‌اند، امروز گلولی آنها را هم گرفته و درد سر بزرگی برای شان ساخته است.

کشورها بدون جنگ هم می‌توانند زنده بمانند و افغانستان از این قضیه مستثنا نیست. از این نظر نیازی دیده نمی‌شود که تنها از راه سرمایه‌گذاری روی جنگ و جنایت به هدف رسید.

دولت افغانستان باید با تکیه بر تجربه‌ی بد وزیرستان، تشخیص دهد که فضا‌سازی به داعش برای عبور به آسیای میانه (نظریه‌ی که این روزها ورد زبان همه است) نخست از همه دامن او را خواهد گرفت.

برنامه‌ی انتقال جنگ به آسیای میانه سود زیادی برای افغانستان ندارد. شمال و شمالشرق در این جنگ حیثیت پشت جبهه‌ی تروریسم (وزیرستان دوم) را خواهد داشت و سرانجام به پرورشگاه تندروی اسلامی، جهل و جنایت مبدل خواهد شد.

امروز گلولی آنها را هم گرفته و درد سر بزرگی برای شان ساخته است.

کشورها بدون جنگ هم می‌توانند زنده بمانند و افغانستان از این قضیه مستثنا نیست. از این نظر نیازی دیده نمی‌شود که تنها از راه سرمایه‌گذاری روی جنگ و جنایت به هدف رسید. دولت افغانستان باید با تکیه بر تجربه‌ی بد وزیرستان، تشخیص دهد که فضا‌سازی به داعش برای عبور به آسیای میانه (نظریه‌ی که این روزها ورد زبان همه است) نخست از همه دامن او را خواهد گرفت.

برنامه‌ی انتقال جنگ به آسیای میانه سود زیادی برای افغانستان ندارد. شمال و شمالشرق در این جنگ حیثیت پشت جبهه‌ی تروریسم (وزیرستان دوم) را خواهد داشت و سرانجام به پرورشگاه تندروی اسلامی، جهل و جنایت مبدل خواهد شد.

ب: جنگ کنونی با ماهیت جهانی و منطقه‌ی‌اش، جنگی نیست که افغانستان توان مدیریت آنرا داشته

چگونگی اخذ مالیات در قرن...

مالیات وضع گردید. مالیات در مجموع به شکل جنسی و فراتر از قانون خود ساخته‌ی تحصیل‌داران اخذ می‌گردید، مثلن:

شماره	مالیات
۱	مالیات مواشی = یک چهلیم که در کنار آن از پشم، بره و کار حیوان هم مالیه اخذ می‌شد.
۲	ذکاة مال = یک دهم
۳	مالیات تبع شاهی = خرج دسترخوان شاه و یا سلطان
۴	مالیات سر رمه
۵	مالیات روغن
۶	مالیات سرانه (فی نفر)
۷	مالیات شاهی‌گی
۸	مالیات قروت
۹	مالیات از پشم و موی حیوان

از آنجاییکه بنایه عدم رشد مناسبات اقتصادی، پول نقد به عنوان وسیله تبادل وجود نداشت، مالیات جنسی از کالا و وسایل مورد نیاز خانه هم اخذ می‌گردید. مثلن، از گلیم، نمذ، جُل، جوال، توبره، باسلیق و غیره. تاجران هم از این غارت ایمن نبود، نموده‌هایی از چگونگی مالیات بر تاجران در اسناد به جا مانده از این قرار است:

شماره	نوع مالیات
۱	مالیات بارانه (فی بار)
۲	مالیات بر وزن
۳	مالیات روی قیمت
۴	مالیات عدد
۵	مالیات صدانه
۶	مالیات شصت یک
۷	مالیات چهل یک
۸	مالیات ده یک
۹	مالیات توبانه (از فی توب پارچه)
۱۰	مالیات چکانه

در هزاره‌جات مالیه نام متناسب‌تر داشت؛ هزاره‌ها مالیه را غم می‌نامیدند؛ غم زمین، غم کار، غم سروجان، غم مال و امثال آن. (۲) اداره‌ی اخذ مالیه با زور نظامی (نیروی نظامی قبیولی) هماهنگ بود. اما متأسفانه از آن همه عواید، در جریان آن قرن هیچگونه برنامه‌ی عمرانی، انکشافی، اجتماعی و فرهنگی راه اندازی نگردید.

مالیات اشکال مختلف داشت، اما از آن جمله مالیات بر اتباع که عمدتاً به نفوس غیرقبیله‌ی حکمران اطلاق می‌گردید، عبارت بود از:

شماره	نوع مالیات
۱	مالیات نو تولد بنام چادر ملکه
۲	مالیات سرانه - از فی نفر اعضای خانواده
۳	مالیات دودی (از هر خانه)
۴	مالیات سرچربی بی‌بی (عروسی)
۵	مالیات گورگرمی (کفن و دفن)
۶	بیگار
۷	حشر
۸	خراج زمین (از هندو و سیکه‌ها)
۹	جزیه مذهبی (هندو و سیکه‌ها)
۱۰	مصادره
۱۱	مالیات بر کنیز (هزاره‌ها)
۱۲	مالیات بر غلام (هزاره‌ها)

به دنبال آن وضع مالیات بر زمین بود، که پیش از عهد شیرعلی و پس از آن اندک تفاوت دارد.

شماره	مالیات
۱	مالیات زمین چشمه‌سار = (یک چهارم)
۲	مالیات زمین رودبار = (یک سوم)
۳	مالیات زمین کاریزی = (یک هفتم)
۴	مالیات زمین للی = (یک هفتم)
۵	مالیات مراتع و علفچر = (مونده پولی)

در عهد شیرعلی تلاش‌هایی صورت گرفت تا نظام اخذ مالیات را قانونمندتر سازد، ولی شیوه اجاره‌گیری مالیات توسط مقامات حکومتی و یا متحندان محلی و حامیان حاکمیت همچنان محفوظ ماند. از آن به بعد علاوه بر اتباع، اراضی و علفچر، روی حاصل کار و اموال هم

۱۱	مالیات گزاره (از فی گز)
۱۲	مالیات دلالی
۱۳	مالیات ارت
۱۴	مالیات کیمه باجی
۱۵	مالیات سرایداری
۱۶	مالیات صد دیناری
۱۷	مالیات قپان پولی
۱۸	مالیات قافله باشی
۱۹	مالیات بدرقه‌گی
۲۰	مالیات پای‌موری
۲۱	تنگه پولی
۲۲	دو پیسه‌گی

افغانستان در ۵۰ سال اخیر که در جریان حکومت محمد ظاهر، شاه سابق در سال ۱۳۴۸ ه. ش به نشر رسیده از اشکال مختلف مالیات دیگر هم یاد می‌نماید.

شماره	مالیات
۱	مالیات بر آسیاب آبی
۲	مالیات برپای کوپ
۳	مالیات جواز کار
۴	مالیات عضویت در اضاف
۵	ذکاة مال مواشی
۶	مالیات کار و پیشه (نجاری، آهنگری و...)
۷	مالیات بر دارایی عمومی (خانه و جایداد)

در کنار اخذ مالیات، حکومت‌ها برای قبیله‌ی حکمران توصیه می‌کرد، تا درون دیگر اقوام و ملیت‌ها که فشار مالیات و فشار نظامی آنان را مجبور به فروش زمین و ملکیت شان می‌نماید، وارد گردیده و آن اراضی را به قیمت ناچیز جنسی و یا حتا فرار دادن صاحبان اراضی از منطقه از چنگ تحصیل‌داران کشیده و با اخذ استاد ملکیت، آن را متصرف شوند. (۴)

منابع:

۱. دایرة‌المعارف تاجک - نوشته‌ی جلال‌الدین صدیقی و قربان نظرایف، ۱۳۶۱ ه. ش، نشر کابل.
۲. افغانستان و مسئله ارضی - نوشته‌ی اکرم عثمان، ۱۳۶۴ ه. ش، کابل.
۳. افغانستان در پنج قرن اخیر، نوشته‌ی میر صدیق فرهنگ، ج اول و دوم، ۱۳۸۸، تهران: عرفان.
۴. افغانستان در مسیر تاریخ؛ نوشته‌ی میر غلام محمد غبار، چاپ چهارم، ۱۳۹۴، کابل: میوند.

برگی از تاریخ

از قراردادهای دیروز تا پیمان‌های امروز

"عبدالرحمان آن تعهدی را که در ساحه روابط خارجی به استثنای بریتانیه با هیچ قدرت روابط خارجی نمی داشته باشد، به زودی چنین تفسیر کرد: افغانستان می‌تواند روابط همسایگی را با دیگران، مشروط به اینکه حکومت هند را از آن مطلع ساخته و توصیه آنرا دریابد، برقرار نماند. عبدالرحمان اصرار می‌ورزید که بعد از گرفتن توصیه حکومت هند وی حق دارد فیصله مستقل خودش را صادر کند.

امیر اعانه و مدد خرج بریتانیه را نقض استقلال و قدرت خویش نمی‌پنداشت. امیر امداد و اعانه برتانیه را نتیجه و محصول اتحادی می‌پنداشت که دو شریک برای منافع مشترک شان همکاری می‌کنند، یعنی نگهداری و حراست سرزمین‌هایشان از تجاوز روسیه. اندرین زمینه همکاری، افغانستان نیروی بشری و بریتانیه اسلحه و آلات و ابزار تهیه می‌کرد.

وقتیکه بریتانیه بنام خدمت، نشان "گرندکراس آف دی آر دی آف بات" را به امیر داد، امیر بر کلمه خدمت که ضمیمه سند بود، اعتراض کرد و از بریتانیه خواست که آن نشان را به پاس دوستی بدو بدهد. امیر در مصارف اعانه و یا استعمال تحفه‌های بریتانیه که به شکل پول و یا اسلحه به افغانستان داده می‌شد آزادی و حریت خودش را نگهداشت.

در آن فرصتی که فن جنگ و محاربه بر موانعی از قبیل زمین ناهموار و سرزمین کوهستانی غلبه نزده بود ممکن بود امیر مردمش را طوری مسلح سازد که در برابر تجاوزات جهان خارج بعضی موانع ایجاد کند.

امیر بخش زیاد اعانه بریتانیه و عایدات ولایات را اسلحه خریداری می‌کرد و در راه استحکام و تقویت دفاع مملکت صرف می‌نمود. آرزوی داشتن اسلحه بین افغان ها ضرب‌المثل شده و هیچ کس آن سخن محمود طرزی را که می‌گفت: "افغان‌ها به طور عموم و افغان‌های سرحد بخصوص چنان عشق مفروطی به اسلحه دارند که برای خریداری آن زمین و گاواهن خودشان را می‌فروشند"، نمی‌توان انکار کرد. اندرین زمینه امیر از هموطنان خویش دست کم نداشت. امیر در سال ۱۸۸۰ از حکومت هند اسلحه گرفت و آنرا علیه ایوب خان در قندهار استعمال کرد و در نتیجه قدرتش را در تمام نقاط مملکت استحکام بخشید. از اوایل امر، امیر اصرار می‌ورزید که بریتانیه تعهد نموده با افغانستان اسلحه و تجهیزات جنگی بدهد تا از آن برای دفاع مشترک علیه تجاوز روسیه استفاده شود. لیکن در هندوستان کشف شد که بعضی تجهیزات جنگی کهنه که توسط امداد بریتانیه تجدید شده بود، در سرحد هندوستان ظاهر گردیده بود. صاحب منصبان انگلیس در هند و انگلستان اظهار خوف و هراس می‌نمودند که روزی افغانستان –که یک بخش سرزمین‌های ورای سرحد را از مردمان هم نژاد خویش می‌داند– با استفاده از همان اسلحه بریتانیه را مجبور خواهد ساخت بخشی از اراضی خود را به افغان‌ها واگذارد. به تمایلات تاخت و تاز قبایل سرحد، که هم اکنون با وجودیکه اسلحه منسوخ و کهنه در دست دارند، و دشوار است که کنترل شوند، مهمیز شدید خواهد زد و با کارمندان انگلیسی در سرحد پیش آمدهای زمخت‌تری به عمل خواهد آمد.

حکومت هند در مورد ورود اسلحه به افغانستان علاقمند بوده و آرزو نداشت کنترل آن از دستش خارج گردد و امیر، از طرف دیگر اصرار می‌ورزید برای حفاظت خود و متحدان در هند، اسلحه بدست آرد.

کارمندان هند بریتانوی اطمینان داشتند از حرص و آز کنیرالذکر فرمانروایان افغان استفاده کرده و با زور –ز تمام مسایل مربوط به افغانستان را حل نمایند اما این حرص و آز، در حقیقت مظهر یک ضرورت و احتیاج حیاتی بود برای افغانستان که بایست مسلح می‌گردید تا پاسخ "یک روز بد" را بخوبی بدهد. برعکس سایر سلاطین مقتدر شرقی، امرای افغانستان زندگی ساده داشتند و عایدات مملکت را اسلحه می‌خریدند زیرا این اسلحه را برای بقای خودشان یک امر غیرقابل احتراز می‌پنداشتند."

منبع: تاریخ روابط سیاسی افغانستان از زمان امیرعبدالرحمان تا استقلال، نوشته‌ی لودویک، دبلیو. آدمک، ترجمه‌ی علی محمد زهما، ۱۳۴۹، موسسه نشراتی افغان کتاب: کابل، صص ۲۴–۲۶

افتخارات را که مردم این مرز و بوم در راستای تاریخ مبارزات شان به آن دست یافته، از آنان سلب و بدون سپر دفاعی در عرصه ی فرهنگی این جامعه را به عنوان کارگذار، دست نگر و گوشت دم توپ در جهت تأمین منافع اهداف شان و به گونه خلع سلاح در خدمت قرار دهد.

بدی قضیه در این است که همه آنانی که در عرصه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیروز گردیده و یا در آن مسیر تقلا و تلاش می نمایند، این پیروزی و موقعیت برتر شان را وجهه‌ی اعتقادی و اعتبار ماورایی داده و میخ استحکام آن را بر اساس اصل تقدیر بر فرق دیگران کوبیده اند. استحکام این اعتبار، مشروعیت مقاومت را از همه سلب و به جای آن اخلاقیات تسلیم و کرنش را نهادینه و در نتیجه عمر آن اعتبار را به شکل غیرقابل مقایسه با جهان دیگر، در اینجا طولانی ساخته است. برون رفت این فضا و شکستن آن اعتبار، کار اساسی و بنیادی است، که همانکون مردم افغانستان در گرداب آن گیر کرده اند.

یقینا اگر این روند باطل به همین شدت و حدت ادامه یابد، بدون شک می توان ادعا کرد که این بحران فراتر از مرزهای جغرافیای بشری این کشور گسترش یافته و تبدیل به مصیبت منطوقی و حتا جهانی خواهد شد.

نگرش کوتاه بر جایگاه...

مسیر سقوط گام بر می دارد. اساس استبداد و بهره کشی از انسان بدون شک یک عمل خلاف اخلاق و وجدان انسانی است. در صورتی که آن دو مشروعیت خود را از مجاری حاکم بر ساختار و نهادهای منظم و با برنامه دولتی اخذ کرده باشد، اخلاقیات حاکم هم می‌تواند مشروعیتش را از آن جا برگرفته و قانونمند عمل نماید.

در این سرزمین اخلاق حاکم، اخلاق پیروز است. در عرصه‌ی سیاسی پیروز کسی است که توانسته در اتکا به هر ابزار و وسیله به قدرت سیاسی دست یابد. در عرصه اقتصادی پیروز کسانی است که توانسته از مجاری نامرئی به ثروت دست یافته و یا در بخش امور نظامی و اجتماعی قهرمان اخلاق افراد و اشخاصی اند، که توانسته بیشتر از همه مرتکب جرم و جنایت گردد. حاکمیت اخلاقیات کنونی ویا پیشین، بدون شک برگرفته از شرایط حاکم بر روابط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بوده و از آن فضا رنگ گرفته است. مدیریت اینگونه اخلاقیات که از طریق سه جریان توانمند جهانی (بنیادگرایی دینی، ترویزیم و دست برتر نظام اقتصاد بازار) و با برنامه‌ی هدمفندانه برای سقوط و انحطاط روحیه ی استقلال‌طلبانه و منش آزادی‌خواهانه ساکنان این مرز و بوم طراحی گردیده، در صورت موفقیت می‌تواند همه

فرهنگ کتابخوانی و نظام...

پایگاه‌های اجتماعی –اقتصادی می‌تواند در گسترش فرهنگ کتابخوانی نقش اساسی داشته باشد. اما تنها داشتن قفسه‌ی کتاب برای انگیزش فرد به مطالعه کفایت نمی‌کند، باید والدین برای فرزندان شان کتاب‌های داستان بخوانند یا به هر شکل ممکن آنان را به خواندن کتاب علاقه‌مند سازند. چنانچه بعضی از شاعران و نویسنده‌ها در مورد چگونگی نویسنده‌شدن شان ابراز کرده اند که آغاز کتابخوانی و مطالعه‌ی شان را خانواده تشکیل می‌دهند.

با در نظر داشت نظام‌های آموزشی دیگر کشورها می‌توان متوجه شد که نظام‌های آموزشی ما چه در سطح معارف و چه در سطح آموزش عالی، توانایی انتقال، اشاعه و تولید دانش را به دانش‌آموزان و دانشجویان ندارند؛ زیرا در کشورهای دیگر، به دانش‌آموزان و دانشجویان بستر مناسب رشد استعدادها و برنامه‌های موثری برای تولید دانش مهیا می‌شود تا فرد بتواند از یک‌سو با تولید دانش در توسعه‌ی سرمایه فرهنگی کشور نقش داشته باشد و از سویی هم،

دورنمای تاریک صنایع دستی...

سطح ملی و جهانی به وجود آورد. این بخش اقتصاد تولیدی که قسمت قابل توجه مایحتاج زندگی معیشت اقتصاد روستایی به آن وابسته است، منبع مهم در تهیه اسعار برای خرید کالا و احتیاجات دیگر هم به شمار می‌رود.

در این اواخر صنعت ماشینی و محصولات آن بیشترین تاثیر را روی این بخش در جهت تامین هزینه اقتصادی کشور داشته و به ویژه نظام اقتصاد بازار در سال‌های اخیر تهدید جدی را متوجه آن ساخته است. بازار قالین، گلیم و نم‌د در کشور بنابه بی‌برنامگی دولت و ورود فرش ماشینی به حاشیه رفته، پوستین، شال و برگ‌بافی در حالت ناپودی، کلالی درحال انقراض، خامک دوزی دستی زیر فشار شدید کار ماشینی، حکاکی و کاشی‌کاری زیر تهدید جدی از ناحیه

که راه برون رفت از آن امر نهایت مشکل به نظر می‌رسد.

تمدن کنونی بشریت مدیون مقاومت در برابر استبداد و خودکامگی سیاسی صاحبان قدرت سیاسی و استثمار و بهره کشی صاحبان ثروت و امکانات مادی بوده است. اگر اخلاقیات برگرفته از چگونگی نظام معیشتی و قوانین حاکم بر نظام سیاسی کشوری معنا و مفهوم واقعی داشته باشد، تعهدات اخلاقی در این جغرافیا در تقابل با استبداد سیاسی نظامی و بهره کشی اقتصادی کمتر به نظر رسیده و برخلاف در جهت نهادینه سازی ساختارهای مرتبط با استبداد و بهره کشان بیشتر از خود هماهنگی نشان داده است. دراینجا این سوال مطرح می‌گردد که آیا اخلاقیات در این سرزمین برخلاف نظام معیشتی روند خلاف را پیموده و یا اگر گراف نظام معیشتی سیر صعودی را ببیماید، اخلاقیات در مسیر سقوط گام بر می‌دارد؟

این چالش را می‌توان به گونه‌های مختلف پاسخ گفت. در نظام سیاسی و اقتصادی موجود، که نظام معیشتی آن از یک فساد قانونمند و با برنامه‌ی دولتی رنج می‌برد، می‌توان گفت که اخلاقیات متناسب به صعود فساد، در

مهم‌تر از همه، نسل پیشین با کتاب خو کرده بود و عادت داشت کتاب بخواند؛ این امر به روزمره‌گی تبدیل شده بود؛ ولی در شرایط فعلی نه تنها جوانان و حتا اکثریت تحصیل کرده‌گان(که از لحاظ کمی نیز با نسل قبل غیرقابل مقایسه اند)، به مطالعه کتاب علاقه ندارند.

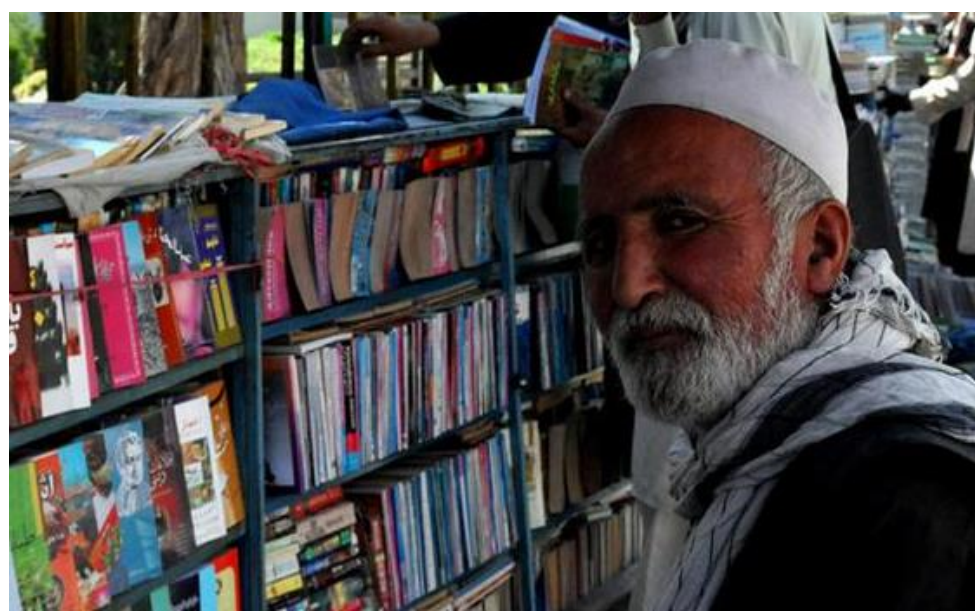
از سوی دیگر، عوامل متعددی چون بی‌سوادی و کم‌سوادی مردم، مشکلات اقتصادی و قیمت بودن کتاب‌ها، بی‌توجهی نویسندگان و ناشران به نیازهای مخاطبان، گسترش تکنالوژی و رشد رسانه‌های صوتی و تصویری، نبود برنامه‌های تبلیغاتی و بی‌توجهی دولت در زمینه‌ی عدم گسترش فرهنگ کتابخوانی نقش دارند، اما آنچه به نظر من می‌تواند عوامل اساسی فقدان فرهنگ کتابخوانی به شمار آید، نارسایی‌های نظام آموزشی و نبود محیط مناسب خانوادگی است.

محیط خانواده، روش تربیتی والدین، طرز فکر و نگرش والدین نسبت به کتاب و کتابخوانی، وجود قفسه‌های کتاب در خانه و سطح

اگر کارگران ماهر و پیشه‌وران این رشته‌ی تولیدی همانند دیگر کشورهای منطقه توسط ادارات محلی با یک سروی علمی آمارگیری و سپس با یک برنامه منظم دولتی، آموزش، رهنمایی و تشویق گردد، می‌تواند علاوه بر کمیت تولید، در مرغوبیت و کیفیت کالای تولید شده هم تاثیر مثبت داشته و در تامین معیشت ساکنان کشور نهایت مفید ثابت گردد. این برنامه می‌تواند هم شامل چگونگی توسعه‌ی صنایع دستی در داخل کشور گردیده و هم در بخش خارج از کشور برای بازاریابی و ایجاد مارکیت در کشورهای دوست با افغانستان، مفید محسوب گردیده و یک نوع هماهنگی با برنامه و قانونمند را میان زارع و مالدار و تولید کننده از یک طرف و تاجران کالا و دولت از جانب دیگر در

خادم حسین فایز

فرهنگ کتابخوانی و نظام آموزشی معیوب!



در توسعه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی و اجتماعی نقش مهمی را ایفا کند. اما در جامعه‌ی ما مسأله‌ی رشد تکنالوژی و نبود کتاب‌ها نیست بلکه نبود فرهنگ کتابخوانی و عادت نکردن به مطالعه، مسأله است. در صورتیکه کتابخوانی به عنوان یک عادت در درون جامعه درونی و نهادینه نشود، نمی‌تواند تبدیل به فرهنگ شود و اگر کم‌رنگ بودن یا نبودن فرهنگ کتابخوانی، به عنوان یک مسأله‌ی اجتماعی نگریسته نشود و برایش راه حل درست و عملی در نظر گرفته نشود، نه تنها فرهنگ کتابخوانی در حدی سنت بی‌ارزش باقی ماند بلکه مرگ آن نیز حتمی خواهد بود.

اگر از لحاظ تاریخی بنگریم در می‌یابیم که وضعیت کتابخوانی در دهه‌های قیل بهتر از امروز بوده است، زیرا در آن دوران، کتاب تنها منبع اطلاعاتی و آموزشی به شمار می‌رفت و حال، ابزار زیادی برای دریافت اطلاعات و کسب دانش وجود دارد. از سوی دیگر، ...

صفحه‌ی ۳

صنایع دستی عمده در افغانستان عبارت است از، قالین، گلیم، نمده، شال، برگ، پارچه باب نخ، پشمی و ابریشمی، بوریا، خورجین و جوال، سوزن دوزی، کلالی، چرم‌گری، حکاکی، کاشی کاری، تهیه زیورات، پوستین دوزی، تهیه سامان‌آلات چوبی برای زراعت، وسایل تولید روغن گیاهی، حلبی‌سازی، منبت کاری و غیره که اساس اغلب آنرا محصولات و مشتقات تولید زراعت و مالداری تشکیل می‌دهد.

در این بخش به ویژه در عرصه‌ی تولید فرش و پوشاک (قالین، گلیم، نمدمالی، شال و برگ و خامک‌دوزی) ۹۰٪ آن اختصاص به کارگران انانث داشته و در ساحات دیگر نقش مردان برجسته‌تر از زنان به نظر می‌رسد. در آن میان به ویژه صنعت قالین‌بافی توسط دست، روی کارگاه ابتدایی، اگر چند نمی‌تواند نماد از افتخار ملی کشور در عصر تکنالوژی و صنعت ماشینی به شمار آید، اما تأثیر آن در معرفی سطح رشد کشور و چگونگی جایگاه اشتغال نیروی کار، یکی از اقلام تأثیرگذار صادراتی محسوب گردیده و در بیرون از کشور جایگاه ویژه در معرفی مهارت و هنر صنعت دستی ساکنان این کشور دارد. با وجود آنکه در ساحه توسعه و انکشاف کارگاه‌ها و ابزار کار تا کنون هیچ‌گونه تلاش و توجه به ملاحظه نرسیده و در برنامه توسعه‌ای دولت وحدت ملی هم تا حال در آن موارد تذکر دیده و یا شنیده نشد است، اما این بخش از توسعه و درخشش خوب برخوردار است. ...

صفحه‌ی ۳

مطالعه کنی؟ در جواب گاهی لاف و گزاف‌هایی را می‌شنوی که واقعیت ندارد، زیرا می‌فهمی که وانمود می‌کند که خوانده است یا اینکه جوابش سکوت بیش نیست. حتا در بعضی موارد، کتاب و کتابخوانی به طنزی تبدیل شده که جوانان میان هم زمزمه می‌کنند؛ "کتاب‌خواندن، کتاب خریدن و کتابخانه داشتن در عصر تکنالوژی حماقت بیش نیست." جوانانی که فکر می‌کنند با داشتن آیپاد، موبایل یا کامپیوتر می‌توانند کتاب‌های مورد نیاز شان را مطالعه کنند یا می‌توانند خوراکی‌های فکری و اطلاعاتی شان را فراهم کنند، به اشتباه رفته اند. زیرا، کتاب نیز به عنوان رسانه و کالای فرهنگی می‌تواند منبع خوب اطلاعات و دانش باشد. ورود تکنالوژی‌های جدید نمی‌تواند جای کتاب‌های چاپی را بگیرد؛ چون خواندن کتابهای دیجیتالی در کامپیوتر و آیپاد نه تنها مضر است، بلکه خسته‌کن و آزاردهنده نیز هست. بدین اساس می‌توان گفت که هر رسانه بنابه کارکردی که دارد، می‌تواند

دورنمای تاریک صنایع دستی در کشور

تأثیرگذار باشد. تاکنون هم در بسا مناطق کشور، با وجود فراوانی و ارزانی محصولات صنایع ماشینی، نقش محصولات صنایع دستی تاکنون همچنان قابل توجه به نظر می‌رسد. در این بخش اقتصاد تولیدی، نیروی وسیع کار، به ویژه زنان کشور بیشتر مصروف بوده و در ساحه استخدام و مصروفیت قوای بشری بعد از زراعت و مالداری نقش برجسته داشته است.

در این اواخر صنعت ماشینی و محصولات آن بیشترین تأثیر را روی این بخش در جهت تامین هزینه اقتصادی کشور داشته و به ویژه نظام اقتصاد بازار در سال‌های اخیر تهدید جدی را متوجه آن ساخته است. بازار قالین، گلیم و نمده در کشور بنابه بی‌برنامگی دولت و ورود فرش ماشینی به حاشیه رفته، پوستین، شال و برگ‌بافی در حالت نابودی، کلالی در حال انقراض، خامک دوزی دستی زیر فشار شدید کار ماشینی، حکاکی و کاشی کاری زیر تهدید جدی از ناحیه کالای خارجی و بافت پارچه باب نخ، پشمی و ابریشمی توسط کارگاه دستی به موزه تاریخ در حال سقوط است. این وضعیت در حالی ادامه می‌یابد که از ابزار و وسایل تولید تیل گیاهی فقط یادواره‌های در ذهن حضور دارد و در اکثر نقاط کشور سامان آلات چوبی برای زراعت باز پسین روزهای عمرش را سپری می‌نماید.

فرهنگ کتاب خوانی، بخشی از فرهنگ عمومی است؛ از این رو بررسی وضعیت کتابخوانی در کشور می‌تواند جلوه‌ی از وضعیت فرهنگی کشور باشد. همان طوری که پدیده‌های دیگر متأثر از وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور است، فرهنگ کتابخوانی نیز متأثر از وضعیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. از آنجایی که وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور رو به وخامت است؛ فقر، بیکاری، ناامنی، خشونت، جنگ، فساد و بی‌ثباتی سیاسی رو به گسترش است، وضعیت فرهنگی نیز حالت رقت‌باری دارد. در چند دهه‌ی اخیر، سرمایه‌های فرهنگی کشور مان در اثر جنگ‌های داخلی و پنج سال حاکمیت کور طالبانی، از بین رفت اما با ظهور روزنه‌ی جدید در دوران حاکمیت کرزی می‌توان گام‌های اولیه‌ی توسعه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی را به مشاهده نشست. اما این سرمایه نیز خیلی ناچیز، متزلزل و سطحی به نظر می‌رسد؛ زیرا، سرمایه‌ی فرهنگی زاده‌ی فعالیت‌های نهادهای فرهنگی، آموزشی و هنری است. آثار هنری، فرهنگی، علمی و آموزشی‌یی که توسط این نهادها خلق و به بازار عرضه می‌شود، قابل قدر است و می‌تواند در توسعه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی نقش بارزی داشته باشد. اما آمار اثرهای تولید شده‌ی فرهنگی در کشور نسبت به کشورهای دیگر غیرقابل مقایسه اند. از جمله می‌توان به کتاب‌های تولید شده‌ی داخلی، پساتالبان اشاره کرد که از لحاظ کمیت و کیفیت در حد پایینی قرار دارد. همان طوری که نشر کتاب‌های جدید داخلی کم‌رنگ است، فرهنگ کتابخوانی نیز کم‌رنگ‌تر از آن به نظر می‌رسد. از آنجایی که در این جامعه، کتاب و کتابخوانی، کالای کم‌ارزش و بی‌اهمیت تلقی می‌شود، می‌تواند عصبانی‌کننده و زبان‌بار باشد؛ وقتی از جوان دانشجویی می‌پرسی که تا به حال چند جلد کتاب خوانده‌ی، تأثیرگذارترین کتابی که تا به حال خواندی کدام است یا دوست داری چه نوع کتاب‌هایی را

فرد برای اینکه نیازهای خود را رفع کند، در ابتدایی‌ترین اقدام دست به سرقت و دزدی‌های کوچک می‌زند، این انحراف فردی باعث می‌شود تا فرد در بی افراد مشابه (دزدان) باشد، به مجرد یکجاشدن، اینها تلاش خواهند کرد تا با صمیمیت و همدلی برای رفع نیازمندی‌های گروه شان، به صورت دسته‌جمعی دست به اقدام بزنند؛ این عمل باعث شکل‌گیری خرده‌فرهنگ گروه هم‌سالان بزهکار می‌شود. گروه هم‌سالان "گروهی است که اعضای آن عمدتاً سن مشابه داشته، اغلب از یک جنس بوده، با یکدیگر یک جگه اجتماعی تشکیل داده و افراد با عضویت در آن، در کنش متقابل یا دیگر اعضا گروه قرار گرفته و با ایفای نقش خود در گروه از حمایت گروهی برخوردار می‌شوند. مهم‌ترین ویژگی‌های این گروه عبارت است از داشتن مسایل و مشکلات نسبتن مشابه، احساس هم‌دلی، صمیمیت و آسیب‌پذیری." (کاوه، ۱۳۹۱: ۳۹۹)

گروه هم‌سالان و دوستان فرد می‌تواند تأثیرات عمیق در جهت‌دهی اندیشه، اهداف و شخصیت وی داشته باشد؛ این گروه بعد از خانواده و مدرسه تأثیرگذارترین منبع در روند جامعه‌پذیری به شمار می‌رود و حتا در بعضی مواقع تأثیرگذارتر از نهادهای خانواده و آموزش عمل می‌کند؛ این گروه‌ها نظر به کارکردهای مثبت یا منفی‌یی که دارند، می‌توانند اعضای شان را به سوی عملکردهای بهنجار یا انحرافی بکشانند. گرچند بی‌سوادی والدین، ضعف اقتصادی و مشکلات خانوادگی می‌تواند در انحراف نوجوانان و جوانان نقش موثر داشته باشد، اما نبود تعلیم و تربیت درست و استاندارد در نهادهای آموزشی و عدم کسب مهارت‌های زندگی در خانواده و مدرسه می‌تواند نقش عمده‌تری در منحرف شدن و آنومی‌شدن فرد داشته باشد. پس برای اینکه فرزندان تان بسوی انحراف کشانده نشوند، والدین باید مشکلات خانوادگی، مشکلات اقتصادی و تضاد بین اعضای خانواده را در حد ممکن کاهش داده و به فرزندان شان قاطعیت، اعتماد به نفس، راه‌های حل مسایل و دیگر مهارت‌های لازم زندگی را آموزش دهند. تحقیقات نشان داده که راه حل کجروی‌های اجتماعی می‌تواند آموزش باشد؛ زیرا آگاهی از پیامدهای انجام کارهای منفی و قاطعیت در تصمیم‌گیری می‌تواند نوجوان یا جوان را از منجلا بزهکاری و کجروی‌های دیگر اجتماعی برهاند.

منبع: کاوه، محمد، آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی، ۱۳۹۱، جلد اول، جامعه‌شناسان: تهران.

نقد اجتماعی

والدین بخوانند!
دوستان فرزندان تان را بشناسید!

والدین همواره برای داشتن فرزند نیک، صالح و بهنجار تلاش می‌روند، حتا حاضرند، از جان شان مایه بگذارند. آنان شب و روز زحمت می‌کنند تا نیازمندی‌های فرزندان شان را فراهم کنند تا بتوانند فرزند بهنجار و مفیدی را در جامعه تقدیم کنند. برای اینکه بتوانند این رسالت را طوری که می‌خواهند انجام دهند، باید فرزندان شان را در مقاطع مختلف تحت نظارت و بررسی داشته باشند، بخصوص در سنین بلوغ و جوانی که بحرانی‌ترین مرحله‌ی زندگی است؛ والدین باید فرزندان شان را در سن بلوغ و نوجوانی هر لحظه و هر جایی زیر نظر داشته و برای آنان برنامه‌ریزی‌های دقیق تربیتی را بریزند؛ تقسیم اوقات کاری برای آنان درست کنند، از استادان شان در مورد درس‌های فرزندان شان بپرسند، در انتخاب رفیق و دوستان به آنان کمک کنند و دوستان هم‌سن، هم‌کلاس و هم‌سایه‌ی فرزندان شان را بشناسند و از سوی دیگر، همواره در پی رفع نیازهای فرد باشند، تا فرد مجبور به رفتار انحرافی برای رفع نیازمندی‌های مادی و معنوی شان نشوند. حتا باید به آنان به قدر نیاز شان عشق و محبت داده شود تا آنان در میان اعضای خانواده احساس آرامش و امنیت کنند. برعکس اگر نیازمندی‌های فرد در خانواده و مدرسه برآورده نشود، فرد برای رفع آن نیازمندی‌ها دست به رفتارهای مخاطره‌آمیز، پرخطرگرایانه می‌زند، حتا ممکن است، به مصرف مواد مخدر نیز رو بیاورد.

فرد برای اینکه نیازهای خود را رفع کند، در ابتدایی‌ترین اقدام دست به سرقت و دزدی‌های کوچک می‌زند، این انحراف فردی باعث می‌شود تا فرد در بی افراد مشابه (دزدان) باشد، به مجرد یکجاشدن، اینها تلاش خواهند کرد تا با صمیمیت و همدلی برای رفع نیازمندی‌های گروه شان، به صورت دسته‌جمعی دست به اقدام بزنند؛ این عمل باعث شکل‌گیری خرده‌فرهنگ گروه هم‌سالان بزهکار می‌شود. گروه هم‌سالان "گروهی است که اعضای آن عمدتاً سن مشابه داشته، اغلب از یک جنس بوده، با یکدیگر یک جگه اجتماعی تشکیل داده و افراد با عضویت در آن، در کنش متقابل یا دیگر اعضا گروه قرار گرفته و با ایفای نقش خود در گروه از حمایت گروهی برخوردار می‌شوند. مهم‌ترین ویژگی‌های این گروه عبارت است از داشتن مسایل و مشکلات نسبتن مشابه، احساس هم‌دلی، صمیمیت و آسیب‌پذیری." (کاوه، ۱۳۹۱: ۳۹۹)

گروه هم‌سالان و دوستان فرد می‌تواند تأثیرات عمیق در جهت‌دهی اندیشه، اهداف و شخصیت وی داشته باشد؛ این گروه بعد از خانواده و مدرسه تأثیرگذارترین منبع در روند جامعه‌پذیری به شمار می‌رود و حتا در بعضی مواقع تأثیرگذارتر از نهادهای خانواده و آموزش عمل می‌کند؛ این گروه‌ها نظر به کارکردهای مثبت یا منفی‌یی که دارند، می‌توانند اعضای شان را به سوی عملکردهای بهنجار یا انحرافی بکشانند. گرچند بی‌سوادی والدین، ضعف اقتصادی و مشکلات خانوادگی می‌تواند در انحراف نوجوانان و جوانان نقش موثر داشته باشد، اما نبود تعلیم و تربیت درست و استاندارد در نهادهای آموزشی و عدم کسب مهارت‌های زندگی در خانواده و مدرسه می‌تواند نقش عمده‌تری در منحرف شدن و آنومی‌شدن فرد داشته باشد. پس برای اینکه فرزندان تان بسوی انحراف کشانده نشوند، والدین باید مشکلات خانوادگی، مشکلات اقتصادی و تضاد بین اعضای خانواده را در حد ممکن کاهش داده و به فرزندان شان قاطعیت، اعتماد به نفس، راه‌های حل مسایل و دیگر مهارت‌های لازم زندگی را آموزش دهند. تحقیقات نشان داده که راه حل کجروی‌های اجتماعی می‌تواند آموزش باشد؛ زیرا آگاهی از پیامدهای انجام کارهای منفی و قاطعیت در تصمیم‌گیری می‌تواند نوجوان یا جوان را از منجلا بزهکاری و کجروی‌های دیگر اجتماعی برهاند.

منبع: کاوه، محمد، آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی، ۱۳۹۱، جلد اول، جامعه‌شناسان: تهران.